

## هو الله

ای دوستان راستان صبحست و دلبر امر الله در نهایت صباحت و ملاحظت جلوه بافاق نموده و بنور اشراق رواق اطباق را روشن کرده و مانند مه تابان ایوان کیوان را زینت بخشیده بشر و شجر و مدر و حجر را بحرکت آورده نداء یابہاء الابهاست که از ملاء اعلى بلند است و ترانہ سبوح قدوس رب الملائکة و الروحست که گوش زد هر هوشمند

ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فته در آفاق نیست جز خم ابروی دوست

عالم امکان در جوشش است و امیر لامکان در بذل و بخشش نفحات قدس در مرور است و افواج عون و عنایت رب غفور در صدور و عبور نسیم رخیم جنت ابهاست که شرق و غرب را معطر نموده و نور مبین افق اعلى است که خاور و باختر را منور کرده جنت ابھی در قطب امکان خیمه و خرگاه زده و بهار روحانی اقالیم ربانی را سبز و خرّم نموده آیات توحید است که در مجامع رحمانیان در ترتیلسست و محامد و نعوت ربّ جلیل است که بالحن بدیع ترینیم اهل تجرید است صیت امر الله است که ولوله در آفاق افکنده و آوازۀ امر جمال مبارکست که جهانگیر گشته و لرزه بارکان امکان انداخته آهنگ ملکوت ابھی بگوش مشتاقان متواصلست و بانگ طیور حدائق ملاء اعلى باذان روحانیان متتابع متواصل ولی افسوس که غافلان در خمودت بی پایان و جمودت عالم امکان حجر و مدر متأثر و آنان در خواب غفلت و فتور مدهوش و محروم و محجوب و منزجر با دیدۀ کور این اشراق النور فریاد برآرند و با گوش کر این نغمات طیور الملکوت نعره زنند البتہ مزکوم از مسک مشموم محرومست و علیل از مائده ربّ جلیل ممنوع

باری ای یاران بانجذایی روحانی و سنوحتی رحمانی و قوتی ملکوتی و نفسی مسیحائی و ید بیضائی کلیمی و شعله و خلّتی خلیلی و صفوتی آدمی و سفینهئی نوحی و نورانیّتی محمدی و روحانیّتی علوی و موهبتی ابهائی و رحمتی ربّانی و نیتی سبحانی و نطقی الهی قیام بر نشر نفحات الهی و سطوع انوار ربّانی و اعلاء کلمۀ جمال رحمانی و رفع اعلام موهبت صمدانی نمائید تا آنکه بفیوضات آسمانی عالم امکانی را نورانی نمائید و بموجب تعالیم الهیہ ترتیب و تنظیم عالم وجدانی نمائید

ای یاران دزدان در کمیند و خائنان گوشه نشین هیکل امر الله را از تیر و تیغ نادانان محافظه کنید و سراج کلمه الله را از اریاح بغضا حمایت و صیانت فرمائید امروز از جهتی روح حیات در سرپانست و از جهتی دیگر اریاح کرپهۀ نقض پیمان در هیجان این روح مصور است و آن موت مجسم این نور تابانست و آن ظلمت بی پایان این عذب فراتست و آن ملح اجاج این حیات ابدیست و آن ممت سرمدی پس بکمال اطمینان و استقامت و ثبوت و رسوخ حصن امر الله را از هجوم مارقین محفوظ و مصون دارید

الیوم آنچه اعظم امور است محبت و الفت و اتحاد و اتفاق و انقطاع و آزادگی و تقدیس و پاکی و جانفشانی و شادمانی احبّای الهی است اگر الفت کامله و محبت خالصه حاصل نگردد جمیع این زحمات و مشقّات هدر رود و عاقبت کلّ قرین خسران مبین گردند مقصد از جلوه حقّ و طلوع آفتاب حقیقت غلبه نور محبت الله است تا ظلمات شقاق و نفاق محو از آفاق گردد و وحدت روحانیّه جلوه نماید جمیع احباب حکم نفس واحد دارند و جمیع اسماء و صفات عبارت از شخص واحد چون این موهبت میسر گردد عالم ظلمانی جهان نورانی گردد و کشور ناسوتی مرآت جلوه لاهوتی شود امیدوارم که بفضل بی پایان و بخشش حضرت یزدان موفق و مؤید گردند

ای یاران الهی ابر کثیفی که الیوم حایل و مانع درخشندگی شمس حقیقت است غمام نفس و هوی است و سحاب کبر و غرور بلها آنچه سبب بزرگواری عالم انسانیت خضوع و خشوعست و محویت و فنا زیرا تذلل و انکسار تاج و هاج

عبدالبهاست و محویت و فنا و نیستی بیمنتها اکیلی جلیل این بنده آستان حضرت کبریا ما باید بکلی از وصف وجود فانی گردیم بلکه نیست و مفقود شویم تا سزاوار الطاف و عنایت خداوند بیچون گردیم هر یک غبار رهگذر جمیع احبّا شویم و خادم حقّ و هادم بنیان نفس و هوی زیرا زینت ایوان الهی باین دو بیت ربّانیت

نار عشقی برفروز و جمله هستیها بسوز

پس قدم بردار و اندر کوی عشاقان گذار

تا نگردی فانی از وصف وجود ای مرد راه

کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار

ای احبّای الهی معنی یوم یعنی الله کلاً من سعتی این نیست که متبادر باذهانست مقصد اینست که آن کنز بی‌پایان پنهان ظاهر و عیان میگردد کلّ از آن ثروت طافحه بهره‌مند و مستغنی میشوند نه اینست که هیچ یک از احباب محتاج دیگری نه البتّه اطفال شیرخوار فقیر ثدی و پستانند و کودکان محتاج مرّیان و جوانان مستفیض از هوشمندان و هوشمندان مستحقّ ارشاد و هدایت مقربان البتّه باید صغیر تمکین از کبیر نمایند و مبتدی پیروی منتهی فرماید و همچنین مقربان درگاه کبریا باید هیکل وجود را بموهبت ملکوت ابهی بیاریند تا انوار تقدیس بر جمیع آفاق بتابد

ای یاران الهی استقامت و مقاومت و پرده‌داری و کشف غطا آنچه باید و شاید عبدالبهاء مینماید ملاحظه میفرمائید که فرداً وحیداً بعون و عنایت جمال ابهی مقاومت با من علی الأرض مینماید هرچند هزار تیر جفا از هر بیوفائی پُرانست و این سینه هدف آن سهام و سنان جیوش امم و جنود ملل در نهایت هجوم و بدخواهان حضرت احدیّت در نهایت اذیّت با وجود این این عبد مهین بتأیید نور مبین در مقابل روی زمین در غایت متانت و تمکین قائم و ثابت و نابت دیگر احبّا باید ملاحظه حکمت نمایند آنها نیز پرده‌داری نکنند در هر صورت اگر پرده رقیقی بر کار باشد بهتر است زیرا سبب مخالطه و معاشرت و مؤانست و مکالمه است بکلی اگر حجاب برداشته شود فصل واقع گردد و چون فصل واقع شد نشر نفحات فتور یابد زیرا کسی نزدیک نیاید تا کلمه حقّ استماع کند و از این گذشته حکومت نیز در مشقّت و مشکلات افتد اعلیحضرت شهریاری فی الحقیقه رعیت‌پرور فریادرس است و ترقّی‌خواه و دادگستر و جناب صدارتیناهی در نهایت خیرخواهی و رؤف و مهربان بر جمیع اهالی ولی عوام همج رعاعند و هوامّ اسیر هر خدّاع اتباع هر ناعقند و مغلوب هر ریج عابق فرع عمومی کنند و فتنه‌جوئی در هر بر و بومی حکومت با وجود کمال عدالت عاجز از حمایت گردد مثلاً واضحاً بامضای بهائیان تلغراف بحکومت نمودن یا به پاریس و امریک رأساً تلغرافاً مخابره کردن موافق حکمت نه

ای احبّای الهی تا توانید از عقل و حکمت تجاوز ننمائید زیرا حکمت میزان امر الله است یعنی در محلی که تشهیر لزوم قطعی نباشد البتّه قدری ملاحظه بهتر است قدری تفکّر فرمائید که چگونه سطوت امر الله آفاق را حیران نمود و شمس حقیقت از افق بلا اشراق فرمود با وجود این همه سفک دماء مطهر و بلاای متتابعه و تعرّضات مترادفه در ازمنه سالفه شمع رحمانی روشنتر شد و پرتو شمس حقیقت شدیدتر گردید آهنگ نهنگ الهی را خروش بیشتر شد و دریای عطای ربّانی را موج و جوش عظیمتر گشت و عنقریب ملاحظه خواهید نمود که فوج فوج مانند موج بساحل نجات توجّه نمایند ای احبّای الهی هر دم بدعای بقای اعلیحضرت تاجداری زبان بگشائید و بخدمتش بشتابید و در تبعیّت خلوص نیّت و صداقت و اطاعت و انقیاد ظاهر فرمائید و علیکم التّحیّة و التّناء ع ع

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳ ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر